

ایران - روسی

قرارنامه افلاس

بیست و دوم شوال ۱۲۵۹ق. / هفدهم نوامبر ۱۸۴۳ م.

درآمد:

مرحوم سپهر در جلد دوم ناسخ التواریخ ضمن شرح وقایع سال یک هزار و دوست و پنجاه و نه هجری در مورد علت انعقاد این قرار نامه می‌نویسد:

«... چون سه ساعت و دوازده دقیقه از روز سه‌شنبه نوزدهم شهر صفر برآمد آفتاب به حمل شد، شاهنشاه غازی محمد شاه تاجار، جشن عیدی به پای برده، حکام و عمال مملکت را طلب داشته، در نظم ولایت و رفاه رعیت و تشیید مبانی عدل و داد هر یک را جداگانه فرمان کرد و چون در میان بازرگانان بسیار کس بادید [= پدید] می‌شد که خویشان را به دروغ مفلس می‌خواند و دین وام خواهان را نمی‌گذاشت، خاصه رعایای تبعه دولت روسیه بیشتر این خدیعت را می‌ساختند و ادای دیون مردم را به تسویف و مماطله می‌انداختند، کارداران دولت ایران و روس برای رفع اینگونه حیل‌سازی از بهر امور تجارت، عهدنامه کردند و خاتم بر نهادند...»

فهرست مندرجات

مقدمه

- فقره اول - در باب ثبت مستندات خريد و فروخت.
- فقره دويم - ثبت اسامي معاهدين.
- فقره سيم - ترتيب وصول تنخواه.
- فقره چهارم - ترتيب ترجيح مستندات.
- فقره پنجم - در باب ثبت اموال غير منقول.
- فقره ششم - در باب اثبات وجه تمسك.
- فقره هفتم - در باب مطالبه حق از ورثه.
- فقره هشتم - در باب افلاس تجار.
- فقره نهم - در باب ضامن تن ورشكسته ها.
- فقره دهم - در باب عدم ضرور ضامن تن.
- فقره يازدهم - در باب مفلس جعلي.
- فقره دوازدهم - در باب ابطال شرنامة شخص مفلس.
- فقره سيزدهم - در باب تاريخ تقسيم اموال مفلس.
- فقره چهاردهم - در باب مهلت دريافت طلب.
- فقره پانزدهم - در باب تقلب در ثبت مستندات.
- فقره شانزدهم - در باب انواع مفلس جعلي.
- فقره هفدهم - در باب بستخانه ها.
- فقره هيچدهم - در باب ملك التجار. در باب قطع و فصل تجار روس در سفارت دولت بهيه. در باب بيع شرط اموال غير منقول تبعه دولت عليه ايران.

تدبیراتی که به جهت دفع افلاس جعلی و رفع حيله جات ورشکسته‌ها لازم آمد از قرار فقرات ذیل است:

فقرة اول - جميع مستندات خرید و فروخت و تمسکات و غيره من بعد باید در دیوانخانه معتبر در دفتر مخصوصی که حاکم هر ولایت ممهور به مهر دولت می‌دهد ثبت شود. در دفتر مذکور کل مطالبات از روی تاریخ و نمره باید ثبت گردد و نمره دفتر باید بر روی مستندات نوشته شود و اوراق دفتر نمره داشته باشد و محکوک و قلمزده نباشد.

فقرة دویم - مستنداتی که در دفتر بزرگ معتبر شده‌اند باز باید جداگانه در دیوانخانه از روی الفبا^{۱۱} اسامی معاهدین نوشته شود و نمره دفتر بزرگ فهرست شود.

فقرة سیم - چنانچه یکجا به مقام مطالبه تنخواه، دو تمسک که در دیوانخانه معتبر شده است برخیزند، آن که جهت دیوانخانه‌اش قدیم‌تر است اول وصول خواهد شد و این قرارداد مبطل قواعد گرما که هنگام افلاس جاریست نخواهد بود.

فقرة چهارم - ثبت مستندات چیزی نیست واجب، ولی مستندانی که موافق قاعده در دیوانخانه صورت اعتبار بهم رسانیده است ترجیح دارد بر مستندات خارجی که مجری نخواهد بود، مگر بعد از اجرای مستنداتی که در دیوانخانه معتبر شده است و

این نوع مستندات خارجی [را] تا مدّت یک سال می‌توان بدیوانخانه آورده معتبر نمایند.

فقرة پنجم - هر که مال غیر منقولی را بخواهد بفروشد یا بیع شرط بگذارد باید قباله و بُنچاق آن را به دست مشتری بدهد، چنانچه سر وعده تنخواه آن را ندهد بیع لازم خواهد بهم رسانید و دیوانخانه قبل از ثبت و معتبر نمودن چنان سند خرید و فروخت باید مشخص نماید که قباله و بُنچاق آن به دست مشتری داده شده است و پیش از آن چنان مال غیر منقولی به غیر فروخته نشده باشد و نزد کسی بیع شرط و گرو گذاشته نشده باشد.

فقرة ششم - ادای وجه تمسکی ثابت نخواهد بود، مگر آن که طلبکار و بدهکار هر دو به خط و مهر خود به روی تمسک نوشته باشند که تنخواه گلاً رسید، و الاً عندالضروره باید به اقامه شاهدهای شرعی و به یاد قسم ادای قرض ثابت گردد.

فقرة هفتم - بعد از وفات بدهکاری، طلبکاران حق مطالبه تنخواه خود را از ورثه مرحوم، قبل از انقضاء وعده خواهند داشت، مگر ورثه اموال مرحوم را رد نمایند.

فقرة هشتم - هر یک از کسبه و تجّار که دعوی افلاس نماید باید قسم یاد کند که از اموالش چیزی پنهان نکرده است و افلاس خود را هم ثابت نماید و همچنین شرکاء و کارکنان او هم باید قسم ادا نمایند که از اموال او چیزی پنهان نکرده‌اند.

فقرة نهم - از این نوع ورشکسته‌ها دست بر نمی‌دارند تا ضامن تن حاضر نمایند و دیوانیان اموال او و اولاد و زن او را ضبط خواهند کرد. در صورتی که ثابت شود که بعد از ظهور ورشکستگی او صاحب این اموال شده‌اند و آنچه که از اقوامشان که به هیچ وجه دخلی به امور ورشکسته ندانسته به ارث ایشان رسیده باشد، یا این که حاصل کاسی جداگانه باشد مع جهاز دختران شوهر رفته از ضبط محفوظ خواهند بود.

فقرة دهم - چنانچه باعث افلاس از حرق اتفاقاً و از غرق، ثابته و از غارت دشمنان باشد در این صورت ضرور به دادن ضامن من تن نیست.

فقرة یازدهم - سزای مفلس جعلی همان سزای دزد و سزای شخص کاذب خواهد بود و اختیار تخفیف سزای آن در پاره‌ای مواد استثنایی منحصر به اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری خواهد بود. مفلس جعلی باید مدت طول مرافعه‌اش در حبس باشد، با احدی حتی با حکامش هم نباید مراده داشته باشد، دوباره تجارت نمی‌تواند نمود و مباشر شغلی نمی‌تواند شد. همین سزا برای رفقای او و اشخاصی که اموال او را پنهان داشته‌اند باقی خواهد بود.

فقرة دوازدهم - شرط نامجرات شخص مفلسی که بعد از افلاس ثابت‌اش واقع شده است باطل است و همچنین شرط نامه‌ها و بخشش‌ها که بعد از ظهور افلاشش نموده است، باطل است.

فقرة سیزدهم - تقسیم اموال ورشکسته فیما بین طلبکاران بعد از چهار ماه خواهد بود و اگر اجناس ورشکسته از قبیل چیزهاییست که زود ضایع و تلف می‌شود مثل؛ چهار پا و آذوقه و سایر، باید بلادرنگ نقد نمایند و مال التجاره [ای] که بعد از اشتهار افلاس به دست مفلس می‌فرستند باید در گمرک ضبط نموده به دیوانخانه فرستاد و همچنین هر نوع مراسلات به اسم مفلس که مشعر بر عدم صدق افلاشش باشد باید به دیوانخانه برسانند.

فقرة چهاردهم - مادامی که مفلس کل قروض خود را ادا ننموده است باز بدکار حساب خواهد شد و طلبکاران به رضای خودشان برای طلب‌های مابقی مهلت خواهند داد، و در آن اثنا هر چه حاصل او شود یا به ارث به او رسد عوض قروض باید داده شود.

فقرة پانزدهم - چنانچه در مقابله دفتر ثبت یا مستندات تقلبی ظاهر شود و دیوانخانه ثبت را به تقلب نموده باشد، دیوانخانه باید از عهده قروض ورشکسته برآید.

فقرة شانزدهم - آنهایی که مفلس جعلی محسوب می‌شوند از این قرار

می‌باشند:

اول، آن که نتواند افلاس خود را ثابت نماید و به طریق واضح حساب نقد و جنس خود را که از مردم گرفته است بدهد.

دوم، آن که به پنهانی و آشکار جنس به خانه خود می‌برد.

سیم، آن که افلاس خود را دانسته بعد از ظهور افلاش به قصد خوردن مال طلبکاران بخشندگیها نماید.

چهارم - آن که مال غیر منقولی را که سابقاً به غیر فروخته است یا بیع شرط گذارده است مجدداً بفروشد یا بیع شرط بگذارد.

پنجم، آنکه مال وقف را بفروشد یا بیع شرط بگذارد.

فقره هفدهم - اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری سوای در بعضی مساجد و اماکن شریفه که از قدیم الایام، مثل خانه‌های علمای نامی و عمارات پادشاهی، بست بوده‌اند، بست‌ها را یعنی بستخانه‌های مردم را موقوف فرموده قدغن می‌فرمایند که هیچ یک از رعایای این دولت جاوید مدت مقصرین را مثل دزد و مفلس و سایر را به خانه‌های خود راه ندهند و هر که خلاف حکم پادشاهی نماید مورد مؤاخذه خواهد شد.

فقره هیجدهم - چون به جهت پیشرفت امر تجارت همه جا ملک التجار ضرور است، لهذا اولیای دولت قاهره در همه جای ایران که تجارت کلی می‌شود ملک التجاری معین خواهند فرمود. دیگر آن که هر وقت کار تجار دولت روس به دیوانخانه رجوع می‌شود باید قطع و فصل آن در حضور یک نفر صاحب منصب سفارت یا قونسولگری شود. همچنین ضبط اموال مفلس و مخلفات مقروض متوفی در جایی که پای رعایای خارجی به میان آید باید همیشه در حضور یک نفر صاحب

منصب روس باشد. کارگزاران روس طلب‌های ورشکسته را از بدهکارانش که اهل ولایت هستند چنان مطالبه خواهند کرد مثل اینکه مقروض خود از رعایای دولت بهیئت روسیه باشد.

دیگر در باب فقره پنجم که مال غیر منقول ذکر شده است مجدداً ایراد می‌شود که در ایران سه کس بر قراء حق دارند؛ اول دیوان اعلی، دویم مالک، سیوم رعیت. چنانچه مالک بخواهد قریه خود را بیع شرط بگذارد به جهت رفع گفتگو باید قبل از دیوان اعلی و از رعیت اذن حاصل کنند.

تحریراً فی بیست و دویم شهر شوال المکرم سنه یک هزار و دویت و پنجاه و نه هجری نبوی علی هاجرها الف السلام و التحیه در دارالخلافة طهران سمت تحریر یافت.

ایران - روس

عهدنامه مهاجرت

بیست و هشتم جمادی‌الثانی ۱۲۶۰ ق. / پانزدهم ژوئیه ۱۸۴۴ م.

صورت مهاجرت نامه روس و ایران

قرارداد است که فیسبین دولتین بهیتین روس و ایران به تاریخ روز بیست و هشتم شهر جمادی‌الثانی سنه یک هزار و دویت و شصت (۱۲۶۰) هجری نبوی مطابق [پانزدهم] شهر [؟] سنه یک هزار و هشتصد [چهل و پنج عیسویه] در دارالخلافة طهران داده شده است.

از برای رفع اغتشاش و بی‌حسابی اهالی سرحدات روس و ایران که پیوسته از مهاجرت حاصل آید و کلای طرفین حسب‌الاذن و مأموریت دول خودشان این قرار داد را منعقد و مهر کردند:

فصل اول - رعایای هر دو دولت من بعد بدون اذن معتبر و بلیط دولت خودشان به خاک یکدیگر عبور نخواهند کرد.

فصل دویم - هر شخص از رعایای دولتین که بدون بلیط به خاک یکدیگر بگذرد دستگیر و به دست سرحد داران نزدیک به آنجا یا به وزیر مختار یا به شارژدافر یا به قونسول دولت خود تسلیم خواهد شد مع اسلحه و اسبابی که همراه خود دارد.

فصل سیم - هر خواهشی که رعایای دولتین در خصوص مهاجرت نمودن از دولت خودشان خواهند کرد باید بدون مداخلت خارجه باشد.

فصل چهارم - اگر مباشرین دولتین در عالم دوستی از همدیگر بلیط بخواهند بی مضایقه از برای بعضی خانوارها خواهند داد، مگر مانعی مقرون به قاعده و قانون بوده باشد.

محل مهر جناب بیدم

وزیر مختار روس

محل مهر جناب اشرف

حاجی میرزا آقاسی

درفش کاویانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>
<https://the-derafsh-kaviyani.com/>